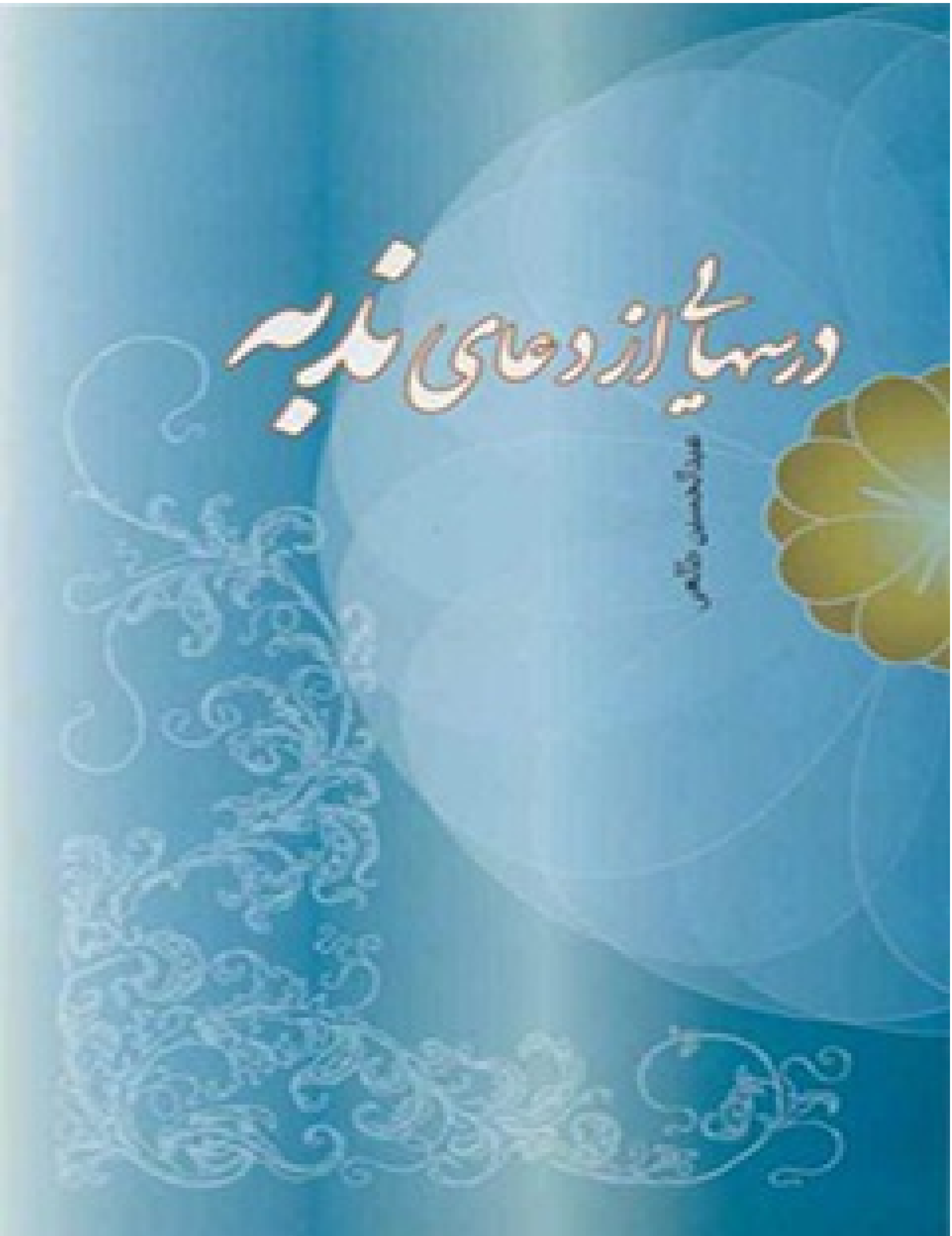

درسهایی از دعای ندبه

بسم الله الرحمن الرحیم

درس‌هایی از دعای ندبه

نویسنده:

عبدالحسین طالعی

ناشر چاپی:

موسسه فرهنگی نبا

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

درس هایی از دعای ندبه

مشخصات کتاب

سرشناسه : طالعی، عبدالحسین، ۱۳۴۰ -

عنوان قراردادی : دعای ندبه .شرح

عنوان و نام پدیدآور : درس هایی از دعای ندبه/ تالیف عبدالحسین طالعی.

مشخصات نشر : تهران: نبا، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری : ۵۹ ص.

شابک : ۶۰۰۰ ریال : ۹۶۴-۸۳۲۳-۳۴-۴

وضعیت فهرست نویسی : برونسپاری (فاپا)

یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس.

موضوع : دعای ندبه -- نقد و تفسیر

رده بندی کنگره : BP۲۶۹/۷۰۴۲۲ /ط۱۶ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی : ۲۹۷/۷۷۴

شماره کتابشناسی ملی : ۱۰۸۴۰۹۳

ص:۱

اشاره

بسم اللّه الرحمن الرحیم

درسهایی از

دعـای نـدبـه

تألیف :

عبدالحسین طالعی

انتشارات نبـأ

درس های از دعای ندبه

مؤلف : عبدالحسین طالعی / حروفچینی : انتشارات نبأ

چـاپ و صحافـی : پنج رنگ / چاپ اول : ۱۳۸۶

شـمـارگـان : ۵۰۰۰ نـسخـه / قیـمـت : ۶۰۰۰ ریال / کـد : ۱۲۰ / ۲۰۱

ناشـر: انتشارات نبـأ / تهـران، خیابان شریعتـی، روبروی ملک، خیابان

شبستری، خیابان ادیبی شماره۶۲ تلفکس۷۷۵۰۶۶۰۲: _ ۷۷۵۰۴۶۸۳

شابک : ۴ _ ۳۴ _ ۸۳۲۳ _ ۹۶۴ ISBN : ۹۶۴ - ۸۳۲۳ - ۳۴ - ۴

ص:۲

السلام علیک یا بقیّه الله

سرآغاز

دعای ندبه، سرگذشت نامه ی انسان در گذر زمان است.

دعای ندبه، سوگ نامه ی ناسپاسیِ انسان در برابر نعمت والای نبوّت و ولایت است.

دعای ندبه، دردنامه ی نیکان و پاکان در برخورد با ظلمت پرستانِ نورستیز است.

دعای ندبه، درس نامه ی انتظار منتظران امام موعود است.

دعای ندبه، دردنامه ی هجران آن امام حاضرِ درون و غایب از دیده است.

* * *

«دعا» در فرهنگ بلندپایه ی شیعی، آمیزه ای از حکمت استوار الاهی، عاطفه ی عمیق انسانی، عبودیت مخلصانه ی راستین، ژرف نگری در درون، آیین زندگی در دنیا و نگاهی درست به روز بازپسین است.

عناصر این درونْمایه، چنان با تار و پود ولایت اهل بیت علیهم السلام ، به هم می آمیزد که تفکیک آن ها از هم، به راستی کاری دشوار، بلکه محال است.

دعای ندبه نیز، همین ویژگی کلی دعاهای شیعی را، در حدّی

بالاے واجد است. به ویژه آن که در یک نگاه کلّی زمزمه ی انتظار آن امام همام است که خدای عزیز حکیم، گشایش امور تمام نیکان و پاکان و انبیا و اولیا و اوصیا را به دست گره گشای او سپرده است. از این رو، باید همواره آن را بخوانیم، در آن ژرف بنگریم، در حرف حرف آن، کتاب های گشوده ی ایمان را ببینیم، و قبل از این همه، با مضامین آن آشنا شویم.

* * *

درس هایی از دعای ندبه، گامی است کوچک در این راه بزرگ. امید است خواندن آن، درهای معرفت بر روی ما بگشاید، و اهل ایمان را بصیرت افزاید. در این راه، از خدا توفیق می طلبیم. و الحمد لله رب العالمین.

ص:۴

۱: راه

وَ جَعَلْتَهُمُ الذّریعَهَ إلَیکَ وَ الوَسیلَهَ إلی رِضْوانِک .

(خدایا) ایشان (پیامبران و امامان) را، راهی به سوی خود و وسیله ای برای دستیابی به رضایت خود قرار دادی.

خدای جان آفرین و جهان آفرین، انسان ها را آفرید و باران نعمت های خود را بر کویر وجود آن ها جاری ساخت. آن گاه در برابر این همه نعمت، از آن ها خواست به حکم عقل سلیم که به آن ها بخشیده، نعمت هایش را شکر گزارند و کفران نکنند، یعنی به «عبودیت» او گردن نهند، عبودیتی که خود، سبب آزادی از تمام قید و بندهای باطل و بیهوده است.

خداوند تعالی برای پیمودن این راه، از مردم خواست که به بارگاه او «وسیله» جویند، تا مسیر عبودیت را درست بپویند. بدین روی، در قرآن بزرگ خود فرمود :

ص:۵

(یا أَیُّها الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا اللهَ وَ ابْتَغُوا إِلَیْهِ الْوَسیلَهَ)(۱)

(ای ایمان آورندگان! تقوا پیشه کنید و به سوی او وسیله جویید.)

این «وسیله» که خداوند سبحان به سوی خود قرار داده، پیامبران و امامان علیهم السلام هستند که از هر گناه و خطایی پیراسته اند، و به هر کمال و فضیلتی آراسته اند. هر کسی، در هر زمانی، برای جلب رضای الاهی، باید به حجّت خدا در زمان خود روی آرد، و جبهه ی تسلیم را در برابر او بر زمین گذارد.

این حکم استوار الاهی _ که اصل مسلّم عقلی است _ از نخستین نتایج قبول نبوّت و امامت است، که توحید بدون آن تحقق نمی پذیرد.

ص:۶

۱- مائده / ۳۵.

۲: در پیِ هم

وَ کُلٌّ شَرَعْتَ لَهُ شَریعَهً وَ نَهَجْتَ لَهُ مِنهاجاً. و تَخَیَّرْتَ لَهُ اَوْصیاءَ مُسْتَحْفِظاً بَعد مُستَحفِظٍ، من مُدَّهٍ إلی مُدَّهٍ، اِقامَهً لِدینِکَ وَ حُجَّهً عَلی عِبادِکَ.

(خدایا) برای هر یک از پیامبران، شریعتی مقرر ساختی، و راهی قرار دادی و جانشینانی برگزیدی که یکی پس از دیگری، هر یک در دوران خود، نگاهبان آن شریعت باشند، تا دین خود را بر پای داری، و آنان را بر بندگانت حجّت گردانی.

پیامبران، در زمان خود برترین آفریدگان خدایند. و از آن جا که آفریده اند_ نه آفریدگار_ عمری محدود در دنیا دارند و اگرچه زمانی دراز هم چون عمر حضرت نوح علیه السلام زندگی کنند، باز هم رخت از این جهان به سرای دیگر می کشند. حتّی برترین پیامبر_ خاتم انبیاء صلی الله علیه و آله و سلم _ بدین گونه مورد خطاب الاهی قرار می گیرند :

(انَّکَ مَیِّتٌ وَ إِنَّهُمْ مَیِّتُونَ)(۱)

۱- زمر / ۳۰.

(تو_ ای پیامبر_ می میری، و اینان نیز می میرند.)

امّا هر کـدام از پیامبران الاهی در زنـدگی پربرکت خود، راهی در دعوت مردم به سوی حق می گشایـد، و برنامه ای از سوی خداوند برای هدایت مردم زمان خود می آورد، که دشمنان فراوان از ظلمت پرستان و گمراهان، نقشه هایی در برابر آن دین و شریعت می کشند.

برای این که پس از رحلت یـا شـهادت پیـامبری، برنـامه ی هـدایت او، ناتمـام و نـاقص نمانـد، خداونـد حکیم برای هر یک از پیامبران، جانشـینانی معین ساخت، تا هر کـدام در زمان خود، راه آن پیامبر را ادامه دهنـد، دین خدا را بر پای دارند، به هدایت اهل ایمان در آن زمان پردازند، و اختلاف ها را برطرف سازند.

این است که در تمام ادیان و شـرایع، رشته ی «وصایت» به عنوان مکمّل رشته ی «نبوّت» از سوی خدای حکیم نصب می شود، تا آن که در هیچ زمانی کسی نتواند ادّعا کند که در مشکلات و مسائل دینی، پناهگاه استوار الاهی نیافته است.

ص:۸

۳: چشمه ی بیکران

قَدَّمْتَهُ عَلی أنبِیائِکَ... وَ أوْدَعْتَهُ عِلْمَ ما کانَ وَ ما یَکونُ إلی انْقِضاءِ خَلْقِکَ.

او را بر پیـامبران خود مقـدّم داشتی... و علم تمـام رویـدادهای گذشـته و آینـده را_ تـا زمان سپری شـدن آفریـدگانت _ به او سپردی.

شأن والا و مقام بی مانند خاتم الأنبیا صـلی الله علیه و آله و سـلم در رتبه ای بلند است که دست کوتاه اندیشه های بشری بدان نرسـد. او برگزیده ترین بنده و فرسـتاده ی ویژه ی خدا است که خداوند حکیم، خوان احسان را برای او گسترده، و دیگران را به طفیل وجود حضرتش بر سر آن خوان نشانده است.

سر خیلْ، تویی و جمله خیل اند مقصود،تویی همه طفیل اند

در این عبـارات بلنـد دعای نـدبه می خوانیم که خداونـد عزّوجلّ، رسول خاتم را بر تمام پیامبران دیگر مقـدّم داشـته است. این تقدّم در

رتبه و مقام، حضرتش را در میان پیامبران ــیعنی بندگان برگزیده ی الاهی ــ ممتاز ساخته است. کسی که برگزیده در میان برگزیدگان باشد، طبعاً قابل مقایسه با دیگر مردم نمی تواند بود.

این است که در وصف این بزرگِ بزرگان سخن نمی توان گفت، مگر بدان گونه که خود آن حضرت و جانشینان معصومش علیهم السلام توصیف کرده اند. یکی از مطالبی که در وصف حضرتش گفته اند، آن است که خداوند، علم اوّلین و آخرین را به ایشان سپرده است. رسول خدا، این علم را به تعلیم الاهی فرا گرفت. و با این تعلّم، نه تنها به کبر و غرور و سرکشی نیفتاد، بلکه پیوسته در مقام عبودیت بود. و عبودیت را شرافت و افتخار خود می دانست. علم الاهی، عبادت و عبودیت می آورد، برخلاف علم بشری که غالباً به سرکشی و بزرگ منشی می انجامد.

ص:۱۰

۴: خانه ی برکت و نور

وَ جَعَلْتَ لَهُ وَ لَهُمْ أوَّلَ بَیْتٍ وُضِعَ لِلنّاسِ لَلَّذی بِبَکَّهَ مُبارَکاً وَ هُدیً لِلْعالَمینَ. فیهِ آیاتٌ بَیِّناتٌ مَقامُ اِبراهیمَ وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً.

اوّل خانه ای را که به سود مردمان نهاده شد، تنها برای او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) و ایشان (اهل بیت علیهم السلام) قرار دادی، خانه ای مبارک که در مکّه است و هدایت برای جهانیان است. در آن، آیات روشن است و جایگاه ابراهیم. و هر که در آن وارد شود، در امان است.

کعبه، معبد دیرین توحید و کهن ترین خانه ی نور در روی زمین است که انسان ها با روی آوردن به آن، درس عبادت را بر صفحه ی وجود خود نشانده اند.

این درس عبادت را، از دیرباز، پیامبران الاهی به مردم آموخته اند و تمامی آنان، مردم زمان خود را به ظهور آخرین رسول و برترین پیامبر نوید داده اند. بدین گونه، کعبه، خانه ی «برکت و هدایت» برای مردمان است، تا درپیکرمناسک آن، روح عبادت وشکرنعمت ــ یعنی

ص:۱۱

تسلیم در برابر اوامر الاهی ـ جویند. هرکس با چنین شیوه ای به خانه ی کعبه روی آرد، به «امنیت از عذاب» می رسد، وگرنه سفری با زحمت پیموده، بدون آن که روح این عبادت را شناخته باشد.

این است که روح مناسک حج، هم چون دیگر عبادات، عبودیت و بندگی خدا است، یعنی تسلیم در برابر اوامر الاهی، و در رأس آن ها قبول ولایت پیامبر خدا و ائمّه ی هدی :که تنها راه هدایت امت اند، چرا که در ظلمت فراگیر جهان، مشعل هدایت را خدای بزرگ تنها به دست اینان داده است، چنان که برگْ برگِ تاریخ بر این حقیقت گواه است. از این رو، امامان معصوم علیهم السلام در تفسیر آیه ی (وَ مَنْ دَخَلَهُ کانَ آمِناً)(1) فرمودند :

«هر کس که با ایمان به ولایت اهل بیت، به خانه ی کعبه درآید، از عذاب دوزخ در امان می ماند.»(2)

۱- آل عمران / ۹۷.

۲- حاصل مضمون چهار حدیث از، رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، امام باقر وامام صادق علیهما السلام . بنگرید: تفسیر کنزالدّقائق، ج ۳، ص ۱۷۱ ـ ۱۷۲.

۵: هدایت و هشدار

فَلَمَّا انْقَضَتْ أیّامُهُ اَقامَ وَلِیَّهُ عَلیَّبْنَاَبی طالبٍ _صَلَواتُکَ عَلَیْهِما وَ آلِهِما_ هادِیاً، إذ کانَ هُوَ الْمُنذِرَ وَ لِکُلِّ قَومٍ هادٍ.

چون روزگار او (پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم) سپری شد، ولیّ خود علیّبن ابی طالب را_ که درودهای تو بر آن دو و خاندانشان باد_ به عنوان هدایتگر برپا داشت، چرا که پیامبر، هشداردهنده است و هر گروهی را هدایتگری است.

یکی از آموزه های بلند و خردْپسندِ حکمت شیعی، ضرورت پیوند مداوم انسان با خدایش در تمام زمان ها است. خداوند متعال برای انجام این هدف، در هر زمان و دورانی، حجّتی بر آدمیان دارد. این حجّت، گاه پیامبر و گاهی امام است، که رشته ی هدایت الاهی را در دست دارند. و آدمیان را به سوی آن فرا می خوانند. این همان، «رشته ی محکم و گسست ناپذیر هدایت» است، که بدون چنگ زدن به آن، نمی توان از کفر به طاغوت و ایمان به خدا سخن گفت.

(فَمَنْ یَکْفُرْ بِالطّاغُوتِ وَ یُؤْمِنْ بِاللهِ فَقَدِ اسْتَمْسَکَ بِالْعُروَهِ

ص:۱۳

الْوُثْقی لَا انْفِصامَ لَها)(۱)

هر کس به طاغوت کفر ورزد و به خدا ایمان آورد، به راستی به رشته استوار چنگ زده است .

این رشته، همان «حبل الله» است که پناه بردن به آن، امر الاهی به مردم در تمام زمان ها است :

(وَ اعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللهِ جَمیعآ وَ لا تَفَرَّقُوا)(۲)

به رشته الاهی بپیوندید و از پیرامون آن پراکنده مشوید.

پیـامبر خـدا صـلی الله علیه و آله و سـلم ، امیرالمـؤمنین علیه السـلام را به عنـوان «سـکّان دار» این کشـتی هـدایت پس از خود، شناسانـده، خود را «منـذر» و حضـرتش را «هادی» نامی_ده است و ای_ن حقیقت، در روایات فراوان، ذیل آیه ی : (إنَّما أنْتَ مُنْذِرٌ وَلِکُلِّ قَوْمٍ هادٍ) (۳) از امامان معصوم علیهم السلام نیز رسیده

است.(۴)

۱- بقره / ۲۵۶.
۲- آل عمران / ۱۰۳.
۳- رعد/ ۷.: تنهاتویی هشداردهنده. و هرگروهی را هدایتگری است.
۴- بنگرید: تفسیر کنزالدّقائق ج ۶ ص ۴۱۲_ ۴۱۵. (بیش از ۱۴روایت)

۶: ریشه ای دیگر

وَ قالَ: أنَا وَ عَلِيٌّ مِنْ شَجَرَهٍ واحِدَهٍ وَ سائِرُ النّاسِ مِنْ شَجَرٍ شَتّی.

(پیامبر) فرمود: من و علی، از یک درخت هستیم و دیگر مردمان، از درخت های دیگر.

خداوند حکیم، به حکمت بالغه ی خود، برای بعضی بندگان خود، امتیازات ویژه ای قرار داده، و در پی آن، امتحانات دشوارتر پیش پای آنان نهاده است، تا ایشان را در مراتب و حالات مختلف زندگی بیازماید، که مسیر عبودیت را چگونه می پیمایند.

در این میان، پیامبر خدا، علی مرتضی، صدیقه ی کبری و ائمّه ی هدی :جایگاهی ویژه دارند. خداوند سبحان، از سویی بار سنگین تعلیم و هدایت امّت در تمام موارد علمی و عملی را بر دوش اینان نهاده، و از سوی دیگر، ایشان را در معرض دشوارترین آزمون ها قرار داده است. این بزرگواران، آزمون های عبودیت را به بهترین شیوه های

پاسـخ مثبت دادند. و خدایی که از پیش، وفاداری اینان به پیمان های الاهی را به علم گسترده ی خود مـی دانست، آنان را از گوهـری دیگرـ غیر از گوهر آدمیان دیگرـ آفرید. از این رو، امام امیرالمؤمنین علیه السـلام در بیانی جامع و ارزشمند فرمود :

«لا یُقاسُ بِآلِ مُحَمَّدٍ مِنْ هذِهِ الْاُمَّهِ اَحَدٌ»

«هیچ یک از افراد این امّت، با آل محمّد :قابل قیاس نیست.»(۱)

گوهر جام جم از معدن و کان دگر است تو تمنّا زِ گِلِ کوزه گران می داری؟

اگر این حقیقت مسـلم را با ژرفای وجود بپذیریم، در قضاوت های خود نسبت به اهل بیت علیهم السلام ، بازنگری می کنیم و هر روز بیش از گذشته، به خضوع و خشوع در برابر آن بزرگانِ آستان الاهی تن می دهیم.

۱- نهج البلاغه، خطبه ی ۲.

۷: دروازه ی شهر دانش

ثُمَّ أوْدَعَهُ عِلْمَهُ وَ حِكْمَتَهُ، فَقالَ: أنَا مَدينهُ الْعِلْمِ وَ عَليٌّ بابُها. فَمَنْ اَرادَ الْمَدينَهَ وَ الْحِكْمَهَ فَلْيَأتِها مِنْ بابِها.

سپس (پیامبر) علم و حکمت خود را به او (امیرالمؤمنین) سپرد. فرمود: منم شهر علم و علی، دروازه ی آن شهر است. پس هر کس ورود به شهر را می خواهد و حکمت می جوید، باید از دروازه به آن شهر درآید.

رسول گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم ، در اوج فصاحت و بلاغت، بلندترین مضامین و معانی را در قالب ساده ترین تعبیرها و روشن ترین تصویرها بیان فرمود، تا انسان ها در آن بیندیشند و پیوسته از آن درس زندگی فرا گیرند.

حدیث «مدینه العلم»، نمونه ای بارز از این شیوه ی بیان است. در این حدیث شریف، پیامبر رحمت و هادی امّت، تمام علم را در یک شهر قرار داده است، که خارج از این شهر، هر چه هست، جهل و نادانی است، و جز آن چیزی نیست. یعنی هر کس علم می جوید، باید بر آستان بلند پیامبر، سر تسلیم و خضوع فرود آورد، وگرنه آن چه پیش روی خود دارد، مجموعه ای از فرضیه های گذرا و موقت است، نه علم ثابت و یقین آور الاهی. دقّت شود که در این حدیث شریف، «علم» مورد نظر است، نه مطلق «دانستنی ها»، که از هر راهی به دست آید.

باری، برای رسیدن به این شهر، باید از دروازه های آن وارد شد. و انسان عاقل، راهی جز آن ندارد. وگرنه او را «دزد» می خوانند و «راهزن» می دانند، چنان که امام امیرالمؤمنین علی علیه السلام پس از اشاره به مضمون حدیث مدینه العلم فرمود :

«و لا تُؤْتَی الْبُیوتُ إلّا مِنْ أبْوابِها. فَمَن أتاها مِنْ غَیرِ بابِها سُمِّیَ سارِقاً.»(۱)

به خانه نمی توان وارد شد مگر از درِ آن. هر کس از راهی دیگر وارد شود، دُزد نام دارد.

باب مدینه ی علم و حکمت، کسی جز امیرالمؤمنین و جانشینان راستین حضرتش نیست. امروز حضرت مهدی علیه السلام ، واجد این فضیلت بزرگ است، که هر کس علم و حکمت می جوید، باید از حضرتش بخواهد.

ص:۱۷

۱- نهج البلاغه، ترجمه ی فیض الإسلام، خطبه ی ۱۵۳، ص ۴۷۹.

۸: محک

ثُمَّ قـالَ:... «لَوْ لاـ أنْتَ یا عَلِیُّ لَمْ یُعرَفِ الْ مُؤمِنونَ بَعْـدی.» وَ کانَ بَعْـدَهُ هُـدیً مِنَ الضَّلالِ وَ نُوراً مِنَ الْعَمی وَ حَبْلَ اللهِ الْمَتینَ وَ صِراطَهُ الْمُسْتَقیمَ.

سپس (پیامبر) فرمود: ... «اگر تو نبودی ــ ای علی ــ مؤمنان پس از من شـناخته نمی شدند.» و امیرالمؤمنین علیه السـلام پس از پیامبر صـلی الله علیه و آله و سلم ، هدایتی در برابر گمراهی، نوری در برابر نابینایی، رشته ی استوار الاهی و راه راست به سوی خدا بود.

راه خدا در هر زمان و دروان، یک راه بیش نیست: تسلیم در برابر اوامر الاهی، و قبول ولایت و سرپرستی حجّت خدا (پیامبر یا امام در آن زمان).

توحید و نبوّت و امامت، سه وجه یک منشور نورانی هستند که حیات معنوی انسان، بسته به آن است.

هم چنان که در زمان حیات دنیوی پیامبر، ضابطه ی ایمان، قبول نبوّت آن حضـرت است، پس از آن، ضابطه ی هدایت جان و نورانیت درون، پذیرش امامت و ولایت جانشـین بحقّ حضرت اوست. هر کس آن را پذیرفت، نجات می یابد وگرنه راهی جز هلاک در پیش ندارد.

امیرالمؤمنین علیه السـلام رشـته ی اسـتوار الاهی است. انسان ها_ که همگی افتادگان قعر چاه دنیا و هوای نفس و شیطان اند_ برای نجات از آن، راهی جز پناه بردن به این رشـته ی هدایت ندارند. این است همان صراط مستقیم که هر فرد مسلمان، دست کم ده بار در روز، در نماز خود، توفیق هدایت به آن را از خدایش می خواهد.

جز این صراط مستقیم، هر راه دیگر که باشد، انسان را از راه خدا باز می دارد،چنان که خدای تعالی فرمود :

(وَ أنَّ هذا صِراطِی مُسْتَقیماً فَاتَّبِعُوهُ وَ لا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِکُمْ عَنْ سَبیلِهِ)(۱)

...این است راه است__وار من. اینـک، پی__روی از او کنیـد. و از راه هـای گـونه گـون پیروی مکنیـد، که شـما را از راه او می پراکنند.

ص:۱۸

۱- انعام / ۱۵۳.

۹: تنزیل و تأویل

وَ یُقاتِلُ عَلَی التَّأْویلِ، وَ لا تأخُذُهُ فِی اللهِ لَومَهُ لائِمٍ... حتّی قَتَلَ النّاکِثینَ وَ القاسِطینَ وَ الْمارِقینَ.

(امیرالمؤمنین علیه السلام) بر مبنای تأویل جنگید. و در راه خدا، از ملامت هیچ سرزنش کننده ای نهراسید... تا آن که پیمان شکنان (اصحاب جمل) و ستمگران (اصحاب صفین) و خارج شدگان از دین (اصحاب نهروان) را به قتل رسانید.

زمانی که رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم دعوت خود را به امر الاهی آغاز فرمود، سه گروه از مردم در برابر حضرتش پدید آمدند: مؤمنان، کافران، منافقان.

ویژگی های این سه گروه در نخستین آیات سوره ی بقره، به خوبی بیان شده است :

مؤمنان، نبوّت حضرتش را با تمام وجود پذیرفتند، به قلب و زبان اقرار آوردند و در عمل خالصانه ی خود نشان دادند.

کافران، صریحاً به انکار برخاستند و در کمال صراحت، رو در روی حضرتش ایستادند.

امّا منافقان، تنها به زبان ادّعای ایمان کردند. امّا قلب خود را کانون انکار حضرتش ساختند و در عمل نیز از هیچ ضربه ای فرو ننشستند.

رسول خدا، به امر الاهی وظیفه یافت که با کافران و منافقان جهاد کند :

(یا أَیُّهَا النَّبِیُّ جاهِدِ الکُفّارَ وَ الْ مُنافِقینَ)(۱)

ای پیامبر! با کافران و منافقان جهاد کن.

ولی به دلایل فراوان ــ از جمله ظاهرِ فریبنده ی منافقان که در میان مسلمانان پراکنده بودندــ پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم ، امکان رویارویی کامل با منافقان نیافت، گرچه در هر موقعیت، نکته ای در شناساندن چهره ی واقعی اینان بیان داشت.

از آن جا که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم ــ به حکم آیه ی مباهله(۲) و به امر الاهی ــ

امیــرالمؤمنین علیه السلام را «جان خود» و واجد تمام شؤون خود ــ به جز نبوّت ــ می دانست، جنگ با منافقان را به آن بزرگوار سپرد. از این رو، امیرالمؤمنین علیه السلام بر مبنای تأویل باطن قرآن، منافقان را منکوب کرد، همان گونه که پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم بر مبنای تنزیل (ظاهر) کتاب خدا، کافران را شکست داده بود.

۱- توبه / ۷۳؛ تحریم / ۹.

۲- آل عمران / ۶۱.

۱۰: کارنامه ی امّت

لَمْ یُمْتَثَلْ اَمرُ رَسولِ اللهِ صلی الله علیه و آله و سلم فِی الهادینَ بَعدَ الهادینَ. وَ الْاُمَّهُ مُصِرَّهٌ عَلی مَقتِهِ، مُجتَمِعَهٌ عَلی قَطیعَهِ رَحِمِهِ وَ اِقصاءِ وُلْدِهِ، إلّا الْقَلیلَ مِمَّنْ وَفی لِرِعایَهِ الْحَقِّ فیهِمْ.

فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم درباره ی هدایتگران _ که یکی پس از دیگری می آمدند_ اجرا نشد. امّت، بر کینه توزی با آن ها اصرار داشتند و دارند. و بر گسستن پیوندهای خود با پیامبرشان و آواره ساختن فرزندانش گرد آمده بودند و آمده اند، مگر مردمی اندک شمار، که برای رعایت پیمان حق درباره ی آن بزرگواران، به پیمان خود وفا کرده و می کنند.

«کفران نعمت» از بزرگترین گناهان و از زشت ترین رفتارهای انسان است. پی آمد این گناه، عذاب سخت الاهی است، که خداوند چنین هشدار داده است :

(لَئِنْ شَکَرْتُمْ لَأَزِیدَنَّکُمْ وَ لَئِنْ کَفَرْتُمْ إنَّ عَذابِی لَشَدِیدٌ)(۱)

اگر (نعمت خدا را) سپاس گزارید، به یقین بر نعمت شما می افزایم. و اگر ناسپاسی پیشه کنید، به راستی کیفر من دشوار است.

هرچه نعمت، بزرگ تر باشد، عذاب ناشی از ناسپاسی آن شدیدتر است. از سویی، خداوند، نعمتی بزرگتر از پیامبر و خاندان معصومش علیهم السلام _ که معلّمان هدایت و اسوه های عصمت اند _ به بشر عطا نفرموده است.

امّا اغلب انسان ها_ به جز گروهی اندک شمار_ همواره، آگاهانه و دانسته، این نعمت را ناسپاسی کردند و عمداً _ نه از سهو و اشتباه یا جهالت و ناآگاهی _ با حجّت های خدا به ستیز برخاستند.

(وَ جَحَدُوا بِها وَ اسْتَیْقَنَتْها أنْفُسُهُمْ ظُلماً وَ عُلُوّاً)(۲)

به انکار آن پرداختند، در حالی که درونِ آنان بدان یقین آورده بود، و این همه، از سرِ ستم و برتری جویی بود.

غیبت آخرین حجّت حق، عذاب شدید الاهی است که در نتیجه ی کفران نعمت پیامبران و امامان پیشین :، گریبانگیر بشر شد.

راه رهایی از این عذاب بزرگ، تنها توبه و بازگشت به پیشگاه خدای تعالی و بستن پیمان وفا با حجّت های اوست.

ص:۲۰

۱- ابراهیم / ۷.

۲- نمل / ۱۴.

۱۱: کجایند؟

اَیْنَ الشُّموسُ الطّالِعَهُ؟ اَیْنَ الْاَقْمارُ الْمُنیرَهُ؟ اَیْنَ الْاَنْجُمُ الزّاهِرَهُ؟

کجایند خورشیدهای تابان؟ کجایند ماه های درخشان؟ کجایند ستاره های نورافشان؟

و چنین شد که بیشتر افراد بشر، در برابر پاک ترین پاکان و دلسوزترین معلّمان دلسوز خود، راه کفران و ناسپاسی را در پیش گرفتند. دریغا! که بشر، از آن عزیزان بارگاه قرب خدا، تنها نیکی و احسان و کرامت و مهر و وفا دید. و آن همه را با رفتار زشت و نامردمی و قهر و جفا پاسخ داد!

اکنون در پاسخ این پرسش که «خورشید و ماه ها و ستاره های هدایت کجایند؟» چه باید گفت؟

قلم تاریخ، کارنامه ی ظلمت پرستان را در برخورد با مشعل های هدایت چنین می نویسد :

* یکی در محراب عبادت، به دست پلیدترین پلیدان به شهادت رسید.

* دیگری را در خانه، به جنایت همسر بی وفا و نمک نشناس، زهر جفا نوشانیدند.

* و آن دیگر را در بیابانی خونْرنگ، میان دو نهر آب، با لب تشنه کشتند و نام این جنایت خود را «دفاع از خلیفه ی رسول الله» نهادند!

* یکی در مدینه.... یکی در زندان بغداد... یکی در کاخ سلطنت... یکی در منطقه ی نظامی... هر کدام به شکلی مسموم شدند.

* و مردم این همه را دیدند و دم برنیاوردند.

* و چنین شد که خداوند حکیم، آخرین گوهر امامت را در صدف غیبت، از دسترس چنین نامردمانی محفوظ داشت، تا روزی که پرچم پیروزمند «البیعه لله» را در دست او نهد، و اذن ظهورش دهد.

۱۲: احیای کتاب

اَیْنَ الْمُؤَمَّلُ لِاِحْیاءِ الْکِتابِ وَ حُدودِهِ؟

کجاست آن (امام موعود) که برای حیات بخشیدن به کتاب خدا و حدود آن، آرزوی (ظهور) او را دارند؟

پیامبر رحمت ۶، به امر خدایش، پیش از آن که دیده از دنیای خاکی بندد، ره توشه ی هدایت را به تمام انسان ها سپرد، به گونه ای که تا واپسین روزهای این عالم گذرا، بلکه در تمام مراحل برزخ و محشر، انسان را مدد رساند.

پیامبر رحمت، کلید این گنج عظیم نجات را در «حدیث ثقلین» نهاد، و دو یادگار ماندگار خود، قرآن و عترت را هماره همراه هم شناساند، که پناه بردن به آن دو_ توأمان _ سبب هدایت مردم است، تا زمانی که در کنار حوض کوثر، بر حضرتش وارد شود.

مفهوم این عبارت، آن است که هر کس به کتاب بدون تبیین عترت مراجعه کند، به نگاهبانان حریم کتاب ستم کرده است و در نتیجه جز خسران، بهره ای از کتاب خدا نمی برد، چنان که خود در این کتاب مبین فرمود :

ص:۲۱

(وَ نُنَزِّلُ مِنَ الْقُرْآنِ ما هُوَ شِفاءٌ وَ رَحْمَهٌ لِلْمُؤْمِنِينَ. وَ لا یَزِیدُ الظّالِمِینَ إلّا خَسارآ)(۱)

قرآنی فرو می فرستیم که برای مؤمنان، شفا و رحمت است. و بر ستمکاران، جز خُسران نمی افزاید.

امّا مردم، وصیت گرانقدر پیامبر رحمت را زیر پا نهادند، قرآن را به میل و هوای نفس خود برگرداندند و مفسّران واقعی آن را کنار زدند. در نتیجه «روح» را از کتاب گرفتند، و به «جسم زیبای» آن دل خوش کردند... .

و ما را روزی در پیش است که موعود قرآن، پای در رکاب نهد، به احیای کتاب برخیزد، روح حیات در پیکر آن بدمد، و هدایتگریِ آن را ــ پس از قرن ها غربت و مهجوری ــ نشان دهد. اللّهم عجّل فرجه.

۱۳: عزّت و ذلّت

اَیْنَ مُعِزُّ الْأُولیاءِ وَ مُذِلُّ الْاَعداءِ؟

کجاست عزّت بخش دوستان خدا، و خوارکننده ی دشمنان حق؟

بیاییم و چند لحظه چشم سر ببندیم و دیده ی دل بگشاییم و به تاریخ بنگریم :

پیامبران، امامان، نیکان و پاکان، چگونه روزگار گذراندند؟ همواره راه نشان دادند، خوان احسان گستردند، مشکل مردم گشودند، مردم را رهنمون شدند، به رهایی مردم اندیشیدند، و در یک کلام: تنها خیر و نیکی بود که از آنان به مردمان رسید.

امّا در برابر، از مردم چه برخوردی دیدند؟

وفا کردند و جفا دیدند، راه نمودند و ملامت شنیدند، مشکل گشودند و بار مظلومیت بر دوش کشیدند...

مردم ناسپاس و ستمگران سرکش، بر قامت آنان که نمایندگان خدای عزیز بودند، تن پوش ذلّت دوختند. گاه زبان تیغ بر بدنشان گشودند، گاه تیغ زبان بر قلبشان کشیدند و دل های پرمهرشان را به آتش کینه ی خود سوختند... امّا امروز را فردایی است که خداوند، اولیای خود را عزّت دهد و لباس ذلّت بر تن دشمنان بپوشاند، که خود وعده داده است :

(اِنّا لَنَنصُرُ رُسُلَنا وَ الَّذینَ آمَنوا فِی الْحَیاهِ الدُّنیا و یَومَ یَقومُ الْاَشْهادُ)(۲)

به یقین، ما فرستگان خود را و کسانی را که ایمان آوردند، یاری می رسانیم،هم در زندگانی دنیا و هم در روز (قیامت که) گواهان به پا می خیزند.

۱- اسراء / ۸۲.و چه ستمی فاجعه بار تر، از ستم بر خاندانی که قرآندر خانه ی آنان فرود آمده است ؟!

۲- غافر / ۵۱.

روز یاری پیامبران و مؤمنان در دنیا، همان روز ظهور پرشکوه آخرین حجّت حق، یادگار و بازمانده و وارث تمام اولیای الاهی است. خدایا! آن روز را هرچه زودتر برسان.

۱۴: تنها راه

اَیْنَ بابُ اللهِ الَّذی مِنْهُ یُؤْتی؟

کجاست راه ورود به بارگاه قرب الاهی، که تنها از این راه، به آن آستان مقدّس می توان راه یافت؟

روزی بنی اسرائیل، جنایتی بزرگ مرتکب شدند. خداوند مهربان، برای این که راه توبه بر آن ها بگشاید و نیز حجّت را بر آن ها تمام کند، امر فرمود تا از دروازه ای مخصوص وارد شوند و کلمه ی «حطّه» (ریزش گناه) را بر زبان آورند. آن روز، خدای عزیز حکیم توسّط حضرت موسی علیه السلام اعلام داشت که توبه ی هیچ کس را نمی پذیرد مگر این که از «باب حطّه» بگذرد، و در برابر آن، سر خضوع فرود آورد.

معدودی از افراد که قصد بازگشت داشتند، امر الاهی را گردن نهادند، و به «باب حطّه» درآمدند. امّا بسیاری از آنان، تنها به استهزاء زبان گشودند و عواقب آن را دیدند.(۱)

خداوند تعالی در میان امّت اسلام نیز «باب حطّه» قرار داده است : رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم و ائمّه ی هدی :. هر که می خواهد به قرب و رضوان الاهی برسد، ناگزیر باید به این باب نجات روی آورد، وگرنه سرنوشتی جز هلاکت ابدی و خسران جاودانی نخواهد داشت.(۲)

امروز، مصداق باب حطّه در این امّت، امام عصر حضرت حجّه بن الحسن العسکری ــ عجّل الله تعالی فرجه الشریف ــ است، که هر کس به راستی نجات و توبه و هدایت می طلبد، باید با کمال خلوص و اخلاص، سر خضوع بر این آستان فرود آورد...

و تکرار تاریخ را به خوبی در این جا می توان دید. به راستی چند تن، امروز این خلوص و اخلاص را به پیشگاه امام زمانشان پیشکش می کنند؟!

ای خدای معرفت بخش! معرفت ما نسبت به امام زمانمان را افزون بدار. آمین.

۱- درسوره ی بقره،آیه ی ۵۸ و سوره ی اعراف آیه ی ۱۶۱ به اینمطلب اشاره شده است. بنگرید به تفاسیر قرآن ذیل دو آیه ی یادشده.

۲- بنگرید: بحارالأنوار، ج ۲۳ ص ۱۰۵ و ۱۱۹ تا ۱۲۳. به ویژه بیانروشنگر امیرالمؤمنین علیه السلام در بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۱۲۲، حدیث ۴۷.

۱۵: خونْخواه

اَیْنَ الطّالِبُ بِدَمِ الْمَقْتولِ بِکَربَلاء؟

کجاست آن که خون خواه کشته ی کربلا است؟

در یـک روز جـان سوز، در گوشه ای از زمین، جنـایت پیشـگانی چنـد، در برابر مظهر لطف و رحمت خـدا، سپاهی از کینه و جنایت آراسـتند. خورشید به اوج آسمان رسیده بود و نظاره گر انسان نماهایی در حضیض شقاوت بود که با سوء اختیار خود، «احسن تقویم» را رها کرده و «اسفل سافلین» را برگزیده بودند.(۱)

در همان روز، فرشتگان مقرّب در بارگاه قرب، بی قرار و مضطرب از آن همه جنایت و شقاوت، از خدای عزّوجلّ پرسیدند :

خـدایا! چرا با برگزیده ی تو در میان آفریدگانت، چنین می کنند؟ خدای عزّوجلّ در این حال، ملائکه را به آرامش فرمان داد و امام مهدی علیه السلام را به آنان نشان داد و فرمود: من به دست این قائم، از آن ها انتقام می گیرم.(۲)

سال ها سپری شـد. مردی به پا خاست و سـردمداران جنایت بزرگ کربلا را به قتل رسانیـد. پس از این اقدام مختار، جمعی از کوته نظران، پنداشتند که خون خواهی شهید کربلا، به سامان رسیده است.

امّـا سـال هـا پس از آن، حضـرت باقرالعلوم علیه السـلام گنجینه ای از معرفت، به دلـدادگان خانـدان نور سپرد، مجموعه ای از کلمات که در روز عاشورا ــ و هر روز دیگر ــ بخوانند و راه تولّی و تبرّی بپیمایند.

از آن روز، شیعیان پیوسته در زیارت عاشورا خواندند :

فَأَسأَلُ اللّه... أن یَرزُقَنی طَلَبَ ثارِکَ مَعَ إمامٍ مَنْصورٍ مِنْ أهلِ بَیْتِ مُحَمَدٍ صـلی الله علیه و آله و سـلم ... وَ أن یَرْزُقَنی طَلَبَ ثارِکُمْ مَعَ إمامٍ مَهدیٍّ ظاهِرٍ ناطِقٍ بِالحَقِّ مِنْکُم...

بـدین گونه، روشن شد که عظمت فاجعه ی کربلا، به حدّی است که نه مختار و مانند او، بلکه هیچ مدّعی دیگری را نرسد که ادّعای خون خواهی شـهید کربلا کنـد. این گام بزرگ بر عهـده ی آن حجّت خـدا است که خدایش در قرآن «منصور» نامید،

آن امام موعود که به یاری خدای منتقم، انتقام جدّش را که «مظلومانه کشته شد» می گیرد.(۳)

ص:۲۴

۱- اشاره به آیات ۴ و ۵ سوره ی تین.

۲- بحارالأنوار، ج ۴۵ ص ۲۲۱ و ۲۲۸، حدیث ۳ و ۴ و ۲۳.

۳- اشاره به آیه ی ۲۳، سوره ی اسراء. در این آیه، «کشته ی مظلوم» بهامام حسین علیه السلام و «ولیّ دم او که منصور است» به امام مهدی علیه السلام تأویل شدهاست. (کنزالدّقائق ج ۷ ص ۴۰۳_ ۴۰۴)

خدایا! آن روز انتقام را هرچه زودتر برسان.

۱۶: دعای گرفتاران

اَیْنَ الْمُضطَرُّ الَّذی یُجابُ إذا دَعی؟

کجاست آن مضطرّ که چون (خدا را) بخواند، دعایش مستجاب گردد؟

هیچ کس نیست که در زندگی فردی و اجتماعی خود با مشکلات روبه رو نشود. درد و رنج، همزاد انسان در این دنیا است، که این همراهی، از روزگاران پیشین تاکنون، مهم ترین دستمایه ی شاعران و ادیبان بوده است.

در این میان، هر کسی به حالت خود بنگرد، مشکل خود را دشوارترین مشکل در جهان می بیند. کمتر کسی است که واقع بینانه به اطراف خود بنگرد و گرفتاری خود را با گرفتاری دیگران مقایسه کند.

آموزگاری که از دانش آموزان خود، قدرناشناسی می بیند؛

مدیری لایق که زیردستانش او را می آزارند؛

پزشکی حاذق که بیماران به سخنش گوش نمی سپارند؛

خدمت گزاری صدیق که بدون گناهی، به صرف بدبینی و سخن چینی گروهی به زندانش افکنده اند؛

اینان همه خود را «مضطرّ» می بینند. و چه بسیار که برای رفع مشکل خود، آیه ی (أَمَّنْ یُجِیبُ الْم ضطَرَّ إذا دَعاهُ)(۱) را مکرر بخوانند.

امّا بهتر است لختی بیندیشیم به :

ــ معلّم هدایت تمام امّت، که اکثر امّت، او را از یاد برده اند.

ــ دلسوزتر از پدر و مادر برای همه ی مردم، که به دلیل گناه و غفلت و غرور مردم، در زندان غیبت گرفتار آمده است.

ــ پزشک جسم و جان ما، که نه تنها نمک نشناسانه، به سخنش گوش فرا نمی دهیم، بلکه به بیماری خود افتخار می کنیم.

حال ببینیم و انصاف دهیم که مضطرّ واقعی کیست؟ اگر امروز درست به این پرسش بیندیشیم، فردا که از کنار خانه ی کعبه، صدای دلنشین و روح نواز حضرتش به دعا و تضرّع به درگاه الاهی برخیزد، آن گاه بالاترین مصداق آیه ی شریفه ی (اَمَّنْ یُجیبُ الْمُضطَرَّ إذا دَعاهُ وَ یَكْشِفُ السُّوءَ وَ یَجْعَلُكُمْ خُلَفاءَ الاَرْضِ) برای ما روشن می شود و می فهمیم که مضطرّ واقعی، اوست

ص:۲۵

۱- نمل/ ۶۲.

نه دیگران و خلیفه ی خدا در زمین، اوست نه دیگران.(۱)

۱۷: دانش انباشته

یَابْنَ العُلومِ الکامِلَهِ

ای فرزند علم های کامل!

بشـر، از دیرباز گرفتار دانستنی های ناقص و ناتمام بوده است. اصولا مبنای دانش بشری بر فرضیه هایی است که می سازد، آن ها را می آزماید، آن گاه در مورد صـحیح بودن یا نبودن آن ها نتیجه می گیرد. پس از این مراحل، گاهی اوقات فرضیه ای به عمری طولانی می رسد و گاه عمری کوتاه می یابد. امّا فرجام تمام فرضیه های بشری، مرگ است: هر یک در موعد خود می میرد و جای خود را به فرضیه ای دیگر می دهد.

بشـر، برای رسـیدن به دانش، راهی جز همین مسـیر «فرضـیه _ آزمون _ خطـا» نـدارد. و از همین رهگـذر، در تمام زمینه ها با مشکلاتی روبرو شده، که گریزناپذیر است، چرا که مبنای کار او «علم ناقص» است.

در این میان، خداونـد تعالی، به بنـدگان برگزیـده ی خود، «علم کامل» می دهد، علمی که مبنای آن یقین و روشن بینیِ الاهی است، نه فرضیه و آزمون بشری.

این شهد گرانبها برای کسانی که تلخی ناشی از محدودیت دانش بشری را چشیده اند، بسیار مغتنم است.

وجود گرامی حجّت هـای خـدا، آن چنـان بـا «علم کامـل الاهی» عجین شـده، که نه «عالم به این علم» بلکه خود، «علم کامل» هسـتند و امام عصـر ارواحنافـداه، فرزنـد آن حجّت های برگزیده ی الاهی است که هر یک در زمان خود، «علم کامل» بودند. حضرت بقیّه الله ارواحنافداه در زمان ما، همان علم کامل الاهی ست که در زیارت آل یاسین در وصف حضرتش می خوانیم :

اَلسَّلامُ عَلَیکَ أَیُّهَا الْعَلَمُ الْمَنْصُوبُ وَ الْعِلْمُ المَصْبُوبُ

سلام بر تو، ای پرچم افراشته و دانش انباشته.(۲)

وقتی سخن از چنین علمی برود، جان های مشتاق و شیفته _ که از فرضیه های موقّت بشری خسته شده و تشنه ی زلال علم

ص:۲۶

۱- آن چه در متن گفته آمد، مبتنی بر چندین حدیث از اهلبیت علیهم السلام است که ذیل آیه ی ۶۲ سوره ی نمل بیان داشته اند. بنگرید به تفسیرکنزالدّقائق ج ۹ ص ۵۸۰_ ۵۸۳.

۲- این ترجمه از استاد محمّدرضا حکیمی است. خورشید مغربص ۳۴۹.

الهی اند ــ به پرواز درمی آیند و ظهور آن گرامی را از خدایش می طلبند.

۱۸: مقایسه

عَزیزٌ عَلَیَّ أنْ اَرَی الْخَلْقَ وَ لا تُری وَ لا اَسْمَعَ لَکَ حَسیساً وَ لا نَجوی

عَزیزٌ عَلَیَّ أنْ تُحیطُ بِکَ دُونَی البَلْوی وَ لا یَنالَکَ مِنّی ضَجیجٌ وَ لا شَکْوی

بر من بسی گران می آید که مردم را ببینم، ولی حضرت تو را به چشم نبینم، و از جناب تو هیچ صدایی و نجوایی نشنوم!

بر من بسی گران می آید که رنج بر تو رسد نه بر من، و ناله و شکوای من به حضرتت نرسد!

انسان، به طبع خود، مدنی و اجتماعی آفریده شده است، از اُنس با دیگر مردمان لذّت می برد و دوری از دیگر انسان ها را برای خود عذاب و شکنجه ای بزرگ می داند.

امّا از سوی دیگر، نامردمی ها، جور و جفاها و تجاوزها به حقوق دیگران، به حدّی زیاد است که گل زیبای معاشرت با دیگران را در دیدگان انسان های روشن بین، هم چون خار جلوه می دهد. انسانی که دل در گرو ارزش های الاهی دارد، آن گاه که پیرامون خود، چیزی جز ستم و جنایت و حق کشی نمی بیند، تلخیِ انزوا را بر لذّت معاشرت ترجیح می دهد.

زبان حال چنین کسی این است که :

بس که حُزن،ازهمه بیزارم ونیکو مَثَلی است　　　که به چشمِ دلِ ماتم زده،گُل، خار آید.

این مقایسه، آن گاه دردناک تر می شود که ببینیم حجّتِ بر حقِّ خدا، وارث «خُلق عظیم» رسول، صاحب صولت حیدری و عصمت فاطمی، در زندان غیبت، به این صحنه ها می نگرد، و اذن تصرّف گسترده در امور انسان ها ندارد.

انسان روشن بین و ژرف نگر، این همه ستم را در سراسر جهان می بیند، در حالی که موعود عدالت در پس پرده ی غیبت

است.

این است که از ژرفای جان، گرانباریِ درون را فریاد می کشد: سنگین است بر من که همه، اهل غفلت و ستم و نامردمی را ببینم، امّا آن حجّت حق را _ که دیدنش سبب تذکّر به خدای بزرگ، فریادش بنیان کَنِ ظلم و مقدمش طلیعه ی گسترش عدالت در جان و جهان آدمیان است _ نبینم.

کی آن روز فرا می رسد که مانند فرزدق در وصف امام زمانمان دهان گشاییم، و به جای «اَیْنَ... اَیْنَ» بگوییم: «هذا... هذا...»؟

اللّهمَ طال الانتظار

۱۹: پنهانِ آشکار

بِنَفْسی أَنْتَ مِنْ مُغَیَّبٍ لَمْ یَخْلُ مِنّا

جانم فدایت! آن پنهان شده ای که از ما جدا نیست.

خداونـد، زمین را هیـچ گاه از حجّت خود، خالی نمی گذارد. انسان ها همواره حجّت خدا را در میان خود دارند. و این چکاد بلند، از حکمتِ خردْپسند شیعی است که :

الْحُجَّهُ قَبْلَ الخَلقِ وَ مَعَ الخَلقِ وَ بَعدَ الخَلقِ

حجّت خدا پیش از آفرینش انسان ها بوده، و همراه با آن ها است و پس از آن ها نیز می ماند.(۱)

و فرموده اند:

آخرین کسی که چشم از جهان می بندد، امام است، مبادا کسی در روی زمین باقی بماند که حجّت بر او تمام نشده باشد!(۲)

پس حجّت خدا همواره در روی زمین هست. امّا به تعبیر رسای امیرالمؤمنین علیه السلام : «گاهی ظاهر و مشهور است و گاه، ناامن(۳) و

ناپیدا»(۴)

روزی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و سلم به دلیل فشارهای مشرکان در شِـعب ابی طالب یا غار ثور بود. روزی امام موسی کاظم علیه السلام در زنـدان بغـداد به سر می برد و روزی امام هادی و امام عسکری علیهما السلام در منطقه ی نظامی سامرا تحت نظر دشمن عبّاسی، در شـدّت محاصره زنـدگی می کردنـد. در این حالات، حجّت حق، ناامن بود. امّا هم چنان حجّت بود، مشعل امامت را به دست داشت و به شیوه های خاصّی راه هدایت را به هدایت طلبان نشان می داد.

و امروز که آخرین امام از خاندان نور، حضرت مهدی ارواحنا فداه در شرایط عدم امنیت به سر می برد، مانند خورشید پشت ابر، نور خود را به آن هـا که از ظلمت گریزاننـد، می رسانـد. دیـده ی دل، او را می بینـد، گرچه هم چون بوی گـل، به چشـم ظاهر نیاید.

باز آی، ای چو بوی گل، از دیده ها نهان کز رنج انتظار تو، پشت فلک خمید(۵)

۱- کمال الدین، ج ۱ ص ۴، حدیث امام صادق علیه السلام .

۲- بحارالأنوار، ج ۲۳، ص ۲۱، حدیث ۲۱.

۳- «ناامن» در برابر «خائف» به کار رفته است. باید دانست کهترجمه ی «خائف» به «ترسان» چندان دقیق نیست.

۴- نهج البلاغه، فیض الاسلام، حکمت ۱۳۹، ص ۱۱۵۸.

۵- بیت از سید علی موسوی گرمارودی.

۲۰: ای ابر! ببار...

مَتیٰ نَنْتَفِعُ مِنْ عَذْبِ مائِکَ فَقَدْ طالَ الصَّدی

چه زمانی از آب گوارای تو، بهره گیریم؟! دوره ی تشنگی به درازا کشید!

«آب» مایه ی حیات جان و جهان است. و خدای حیات آفرین، آن را منشأ زندگی خوانده است.(۱)

حیات ظاهر، به آبی وابسته است که از آسمانِ آبی می بارد، و گیاهان و جانوران و آدمیان را سیراب می سازد. بدون این آب، ریشه ی زندگی ظاهری می خشکد. امّا انسان ــ اگر بخواهد به راستی انسان باشدــ به زندگانی معنوی و اخلاقی نیز نیاز دارد.

این حیات معنوی، نیز به «آب» وابسته است، که بدون آن، انسان نابود می شود.

در روایات معتبر خاندان عصمت، «آب» به «ولایت و هدایت و عقاید حقّه» تأویل شده است.(۲) یعنی این که اگر این زلال معنوی از

فراز آسمان نور بر قلب انسان نتابد، انسان در زندان حیوانیّت گرفتار می آید و فقط به ظاهر خود دل خوش می دارد.

کسانی که قدر حیات معنوی خود را می دانند، به خوبی می یابند که به این زلال نور بیشتر نیازمندند تا آبِ ظاهر، چرا که از جسم مرده، آزاری به کسی نمی رسد، امّا جسم زنده که جانِ مرده دارد، مایه ی آزار و اذیت برای خود و دیگران است.

کسانی که این نیاز را، از ژرفای درون یافته اند، با آن سرچشمه ی زلال نور و معنویت، مشتاقانه سخن می گویند و برای فرونشاندن تشنگی وجود خود، از حضرتش کمک می خواهند.(۳)

۱- (و جعلنا من الماء کلّ شیء حیّ) (انبیاء/ ۳۰)

۲- بحارالأنوار، ج ۲۴ ص ۱۰۰_ ۱۰۱ و ۱۱۰.

۳- خدای بزرگ در قرآن سترگ (سوره ی ملک، آیه ی ۳۱) درباره یحالتی سخن می گوید که آب از دسترس انسان ها خارج شود. امامانمعصوم علیهم السلام تأویل این آیه را درباره ی غیبت امام مهدی علیه السلام دانسته اند. بنگرید :بحارالأنوار ج ۳۶، ص ۳۲۷؛ ج ۵۱ ص ۵۰ و ۱۵۱.

۲۱: پناهگاه

خَلَقتَهُ لَنـا عِصـمَهً وَ مَلاـذاً، وَ اَقَمْتَهُ لَنـا قِواماً وَ مَعاذاً، وَ جَعَلتَهُ لِلْمُؤمِنينَ مِنّا إماماً. فَبَلِّغْهُ مِنّا تَحِيَّهً وَ سَـلاماً، وَ زِدْنا بِـذلِکَ یا رَبِّ إکراماً

خـدایا! او (امام عصـر علیه السـلام) را برای ما نگاهبان و پناهگاه آفریـدی، حضـرتش را برای ما به عنوان عمود خیمه و پناه ما برپـا داشتی، و او را برای مـا مؤمنـان، امـام قرار دادی، اینک از جانب ما، درود و سـلام بر حضـرتش برسان و بـدین سان ــ ای خداوندگارــ بر گرامی داشتِ ما بیفزای!

امام معصوم در فرهنگ الاهی شیعی، ویژگی هایی دارد که هر کـدام از آن ها، به تنهایی اقتضا دارد که تمام دیدگان خود را به آن کانون نور بدوزیم :

ــ پدری مهربان است، حتّی برای فرزندانِ ناخلف.

ــ فریادرس برای همگان است، حتّی برای آن ها که از او دادخواهی نکرده اند.

ــ پناهگاه مردمان است، از دوست و دشمن.

ــ خوان گسترده ی احسان است، برای آشنا و بیگانه.

و در یک کلام: مظهر رحمت واسعه ی الاهی است، همان خدایی که :

یُعطی مَن سَألهُ... یُعطی مَن لَمْ یَسْأَلْهُ وَ مَن لَمْ یَعرِفْهُ تَحَنُّناً مِنْهُ وَ رَحْمَهً

می بخشـد به هر کس که از او بخواهد... و نیز به کسانی که از او نمی خواهند و (بلکه) او را نمی شناسـند، از روی دل سوزی و مهربانی.(۱)

حـال که چنین است، بایـد خود را هر لحظه بر کنـار این خوان گسترده ببینیم، به حکم عقـل، صـاحب سـفره را از یـاد نـبریم، همواره به یاد داشـته باشـیم که به یمن نگاهِ کیمیااثرِ حضـرتش، در هر لحظه صـدها عذاب و بلا، از فرد و جامعه ی ما دور می شود.

هم از این رو، پیوسته به محضر مقدّس حضرتش سلام گوییم، و بدانیم که پیشکش این تحفه ی ناچیز بدان بارگاه سلیمانی، بر ارج و ارزش ما می افزاید.

خدایا! ما را به گناهانمان مگیر، و عذاب غفلت از آن عزیز گرامی را از جان ما بردار.

۲۲: پیوند

وَ صِلِ اللّٰهُمَّ بَینَنا وَ بَینَهُ وُصْلَهً تُؤَدّی إلی مُرافَقَهِ سَلَفِهِ

خدایا! میان ما و او، پیوندی برقرار کن که به همراهیِ ما با گذشتگانِ حضرتش (پیامبران و امامان پیشین) منجر شود.

۱- دعای ماه رجب.

ما که در این برهه ی زمان دیده به دنیا گشوده ایم، وصف انبیاء و اوصیاء و اولیاء را بسیار شنیده ایم :

ـ عبادت های طولانی و سجده های شگفت حضرت آدم صفی الله علیه السلام

ـ صبر طاقت فرسا و درس آموز حضرت نوح نبی الله علیه السلام

ـ عبودیت و تسلیم و رضای حضرت ابراهیم خلیل الله علیه السلام

ـ کمالات الاهی و چهره ی نورانی حضرت موسی کلیم الله علیه السلام

ـ مقامات معنوی و زهد و پارسایی حضرت عیسی روح الله علیه السلام

ـ خُلق عظیم و اوج عروج حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه و آله و سلم

ـ علم و حلم و تقوی و نورانیت معصومان پاک :

این همه را به چشم خود ندیده ایم، گرچه از راویان راست گفتار شنیده ایم، به گونه ای که در حدّ دیدن به آن ها ایمان داریم؛ امّا دیدنِ این کمالات و مقامات معنوی و صاحبان آن ها لطفی دیگر دارد. و این برای ما ـ که در این زمان زیست می کنیم ـ مقدور نیست.

امّا، خداوند حکیم، ما را در زمان آخرین حجّت خود آفریده است که به بیان خداوند متعال در حدیث قدسی لوح :

عَلَیهِ کَمالُ موسی و بَهاءُ عیسی و صَبرُ اَیّوب.(۱)

کمال موسی، نور عیسی و صبر ایّوب را داراست.

همان بزرگ که به تعبیر امام صادق علیه السلام : «تمام معجزات انبیاء را در بر دارد»(۲)

اوست که در روز ظهور، در خانه ی کعبه ندا بر می آورد، و از پیروان تمام پیامبران پیشین می خواهد که پیش آیند و مقامات آن بزرگواران را به چشم خود ببینند.(۳)

آن روز را، دشمنان دور پندارند، و ما ـ به بصیرت الاهی ـ نزدیکش دانیم.(۴)

۱- بنگرید به کتاب: تحفه ی اسمانی (در شرح و توضیح این حدیث)،نوشته ی عبدالحسین طالعی و محمّدحسین صفاخواه، تهران: میقات، ۱۳۷۸.

۲- مکیال المکارم، ج ۱، ص ۲۴۳؛ اثبات الهداه، ج ۷، ص ۳۵۷،حدیث ۲۳۷.

۳- بحارالأنوار، ج ۵۳ ص ۹؛ مکیال المکارم، ج ۱ ص ۱۶۷.

۴- اشاره به آخرین جمله ی دعای عهد.

۲۳: حقوق آسمانی

وَ اَعِنّا عَلی تَأدِیَهِ حُقُوقِهِ إلَیهِ وَ الإجْتهادِ فی طاعَتِهِ وَ اجتنابِ مَعصیَتِهِ

خدایا! به ما یاری رسان تا حقوق حضرتش را به او ادا کنیم، در راه پیروی او بکوشیم و از نافرمانیِ او دوری گزینیم.

حقوق امام عصر ارواحنافداه بر عهده ی ما، بیش از آن است که بتوانیم برشماریم. خداوند متعال درباره ی نعمت های خود بر بندگان می فرماید.

(و إنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللهِ لاتُحصُوها)(۱)

(و اگر بخواهید نعمت های خدا را برشمارید، نمی توانید.)

تمام این نعمت ها، به واسطه ی وجود مقدّس حضرت بقیّه الله ارواحنافداه به دست ما می رسد. از سوی دیگر، به حکم عقل باید تمام واسطه های رسیدن نعمت را شکر گزاریم، یعنی حقوقی را که به گردن ما دارند، ادا کنیم.

اکنون ماییم و امام زمان علیه السلام ، که مهم ترین واسطه ی رسیدن نعمت های مادّی و معنوی به تمام مردم است.

بِکُمْ یُنَزِّلُ الغَیْثَ... و بِکُمْ یُنَفِّسُ الهَمَّ وَ یَکشِفُ الضُّرَّ... بِکُمْ یُسْلِکُ إلَی الرِّضوانِ... بِمُوالاتِکُمْ عَلَّمْنا اللهُ مَعالِمَ دینِنا وَ أصلَحَ ما کان فَسدَ مِن دُنیانا...(۲)

بر اساس این جملات ــ که قطره ای از دریای حقایق والای ولایت است ــ نعمت هایی مانند نزول باران، رفع گرفتاری ها، فراگرفتن معالم دین، اصلاح مشکلات دنیوی، رسیدن به بهشت جاودان و.... منحصراً از طریق اهل بیت به مردم می رسد، و در این زمان، واسطه ی این نعمت ها، حضرت بقیّه الله علیه السلام است.

از این رو، حقوق حضرتش بر عهده ی ما فراوان است، تا آن جا که بدون کمک گرفتن از خدای قادر، نمی توانیم آن ها را

ادا کنیم، به ویژه جلب رضای حضرتش و دوری از معصیت آن امام همام، که برای این امور، از خدای سبحان توفیق می طلبیم.(۳)

ص:۳۲

۱- ابراهیم / ۳۴؛ نحل / ۱۸.

۲- زیارت جامعه ی کبیره، که از امام هادی علیه السلام صادر شده است.

۳- بعضی از این حقوق و راه های ادای آن ها در کتاب هایمکیال المکارم (نوشته آیات الله سید محمد تقی موسوی اصفهانی) و آفتابدر غربت (نوشته دکتر سید محمد بنی هاشمی) بیان شده است.

۲۴: به برکت او

وَ اجْعَلْ صَلاتَنا بِهِ مَقْبُولَةً وَ ذُنوبَنا بِهِ مَغْفُورَةً وَ دُعائنا بِهِ مُسْتَجاباً، وَ اجْعَلْ أرزاقنا بِهِ مَبسوطَةً وَ هُمومَنا بِهِ مَكفِيَّةً وَ حوائِجَنا بِهِ مَقْضِيَّةً.

خدایا! نماز ما را، به برکت او مقبول گردان! گناهان ما را به لطف او بیامرز! دعای ما را به عنایت او مستجاب کن! روزی های ما را به طفیل او وسعت بخش! مشکلات ما را به دست او حل کن! و نیازهای ما را به برکت وجودش برآور!

خداوند متعال که در اوج غنا و بی نیازی است، انسان را به گونه ای آفریده که در پیشگاه خدایش همواره فقیر و ضعیف است.(۱) و برای

رفع نیازهای خود، همواره باید به خالق خود روی آورد، دست عجز و پای نیاز به آن استان بکشد، و واقع بینانه به این حقیقت اعتراف کند که همه ی نعمت ها، تنها از ناحیه ی خداست :

(ما بِكُمْ مِنْ نِعْمَةٍ فَمِنَ اللهِ)(۲)

حال که می خواهیم عرض نیاز کنیم، چگونه برویم؟ چه آدابی به جا آوریم؟ با این فقر گسترده ــ که حتّی آیین عرض نیاز را هم نمی دانیم ــ چه کنیم؟ لطف خدای حکیم، در این مرحله نیز دست ما را می گیرد و به ما راه می نماید که باید به سوی او «وسیله» برگیرید :

(یا ایُّهَا الَّذینَ آمَنُوا اتَّقُوا الله و ابْتَغُوا إلَيْهِ الْوَسیلَةَ)(۳)

خداوند، این وسیله را هم به مردم شناساند: محمّد و آل محمّد :. امروز، وسیله ی ما به درگاه الاهی، حضرت ولی عصر ارواحنافداه است. ما هر چه بخواهیم، باید به این سبب و واسطه، از خدا بخواهیم. چنان که در این جملات دعای ندبه، قبولی

۱- (یا ایّها النّاس انتم الفقراء إلی الله والله هو الغنی الحمید) (فاطر /۱۵)

۲- نمل / ۵۳.

۳- مائده / ۳۵.

گناهان، استجابت دعاها، گسترش روزی، حلّ مشکلات و برآوردن نیازهای خود را به واسطه ی حضرتش، از خدا می خواهیم. دست گره گشای آن پدر مهربان، هرلحظه در کار است و گره می گشاید. خدایا! لطف و احسان بی پایان او را از ما مگیر.

پرسش نامه

۱ــ درمورد عبودیت نسبت به خداوند، کدام جمله درست نیست؟

الف) عبودیت، سبب آزادی از تمام قید و بندهای باطل و بیهوده است.

ب) برای این عبودیت، هر کس می تواند راه دلخواه خود را برود، راه او صحیح است.

ج) لازمه ی قبول عبودیت، عقلا قبول نبوّت و امامت است.

۲ــ وصایت :

الف) ادامه ی نبوّت است.

ب) به اختیار مردم است.

ج) لازم نیست،چون احادیث پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم در اختیار مردم هست.

۳ــ حضرت خاتم الأنبیاء صلی الله علیه و آله و سلم :

الف) بشری مانند تمام بشرهای عادّی است.

ب) چنان است که نمی توان ایشان رااسوه و الگو داشت.

ج) برگزیده ی برگزیدگان است. به این دلیل، اسوه و الگوی دیگران است.

۴ــ مناسک حج:

الف) سبب رهایی از عذاب و مشکل دنیوی است.

ب) سبب امنیت از عذاب آخرت است، که این نتیجه با قبول ولایت به دست می آید.

ج)برای رفاه اقتصادی و پیشرفت مالی تشریع شده است.

۵ــ در مورد «حبل الله» کدام گزینه صحیح است؟

الف) مهم ترین مصداق حبل الله رشته ی محکم الاهی (نبوّت و ولایت)است که همواره در میان آدمیان هست.

ب) معنای حبل الله موکول به تفسیر شخصی هرکسی است.

ج) معنای آن روشن نیست.

۶ــ نسبت اهل بیت علیهم السلام بامردم چگونه است؟

الف) هیچ تفاوتی با مردم دیگر ندارند.

ب) بی دلیل و بیهوده از دیگران برترند.

ج) از دیگران برترند. به همین دلیل، وظیفه ی سنگین هدایت مردم را بر عهده دارند.

۷ــ از حدیث «مدینه العلم» می فهمیم که:

الف) هر نکته ای را از هر کس باید یاد بگیریم و بپذیریم.

ب) علم صحیح که بتوان به طور کامل پذیرفت، فقط نزد پیامبر و اهل بیت علیهم السلام است.

ج) علم الاهی با دانش بشری تفاوت ندارد،چون خداوند به همه علم داده است.

۸ــ درباره ی صراط مستقیم، کدام گزینه صحیح است؟

ص:۳۴

الف) صراط مستقیم خداوند، یکی است و متعدّد

نیست.

ب) این صراط، راه اهل بیت است که همواره توفیق هدایت به آن را از خدا باید بخواهیم.

ج) الف و ب صحیح است.

۹_ درباره ی مردم زمان صدر اسلام، کدام جمله صحیح است؟

الف) برخی از آن ها منافق بودند که دل پیامبر را

آزردند.

ب) تمام مردم صدر اسلام، محترم اند. وضع هیچ کدام از آن ها را نباید بررسی کرد.

ج) پیامبر، تمام اصحاب خود را مانند ستارگان آسمان دانسته که در پی هر کدام روانه شویم، هدایت می یابیم.

۱۰_ کارنامه امّت اسلام چگونه است؟

الف) هیچ ایراد و اشکالی ندارد.

ب) ناسپاسی کرده و عذاب آن را چشیده اند.

ج) تمام گناهانشان بخشیده شده است.

۱۱_ چرا اهل بیت علیهم السلام به خورشید و ماه و ستاره تشبیه شده اند؟

الف) مانند خورشید و ماه و ستاره، در حالات مختلف نورافشانی می کنند.

ب) گاهی قطعه هایی از ابر ستم مردمان، مانع نورافشانی آن ها می شود.

ج) الف و ب صحیح است.

۱۲_ کتاب جاودانه ی قرآن:

الف) به تنهایی نور است و می تواند عامل هدایت باشد.

ب) بدون رجوع به عترت، نمی توان از آن بهره گرفت، چون این کار، ظلم به اهل بیت است.

ج) با دانستن زبان عربی یا خواندن ترجمه ها، می توان مطالب آن را فهمید. پس نیاز به مفسّر ندارد.

۱۳ـ اولیای خدا در زمان های گوناگون:

الف) همواره عزّت واقعی دارند، گرچه به آن ها ستم شود.

ب) همواره در معرض ذلّت بوده اند و هستند.

ج) فقط در زمان های محدودی که حاکم بوده اند، عزّت داشته اند.

۱۴ـ در مورد راهِ رسیدن به خدا، کدام گزینه صحیح نیست؟

الف) انسان، اختیار دارد تا این راه را طی کند.

ب) با وجود اختیار، باید از راهنمایان آن کمک بگیرد.

ج) هر کسی با مراجعه به قلب خود، می تواند این راه را پیدا کند.

۱۵ـ خون خواهیِ شهیدان کربلا چگونه انجام می شود؟

ص:۳۵

الف) کشتن ظالمان کربلا، که مختار انجام داد.

ب) تبیین فرهنگ صحیح دین و کج روی های

ستمگران، که در زمان ظهور امام عصر علیه السلام به کامل ترین

وجه آن انجام می شود.

ج) اساساً انتقام در دین اسلام جایی ندارد.

۱۶_ آیا حضرت مهدی علیه السلام را می توان مضطرّ دانست؟

الف) طبق آیه ی قرآن و روایات و جمله ی دعای ندبه، ایشان همان مضطرّی است که دعایش مستجاب است.

ب) اولیای خدا به اضطرار، دچار نمی شوند.

ج) اضطرار، ویژه ی دنیاپرستان است.

۱۷_ علم الاهی...... و دانش بشری...... است.

الف)کامل _ ناقص.

ب)استوار و قطعی _ فرضی و لرزان.

ج) الف و ب صحیح است.

۱۸_ انسانِ مؤمن در زمان غیبت.......

الف)اصلا رنج نمی کشد، چون به خدا ایمان دارد.

ب) رنج می کشد، چون حقّ او را پایمال می کنند.

ج) رنج می کشد، چون می بیند که به امام زمانش ستم روا می دارند.

۱۹_ معنای غیبت امام عصر علیه السلام چیست؟

الف) به هیچ وجه، از حضرتش نمی توان بهره گرفت.

ب) می توان بهره گرفت، مانند پیامبران و امامان پیشین، زمانی که در زندان و محاصره بوده اند.

ج)برای فردمؤمن،غیبت وحضورحضرتش یکی است.

۲۰_ تأویل آب به ولایت و هدایت،....

الف) در نقل معتبر رسیده و مورد تأیید عقل است.

ب) غلوّ و خلاف ظاهر آیه است.

ج) مخالف قواعد ادبیات عرب است.

۲۱_ امام عصر عجّل الله تعالی فرجه الشریف....

الف) مظهر رحمت واسعه ی الاهی است، که به همه لطف پدرانه دارد.

ب) هرچه بیشتر در راه او بکوشیم، بیشتر در معرض لطف او قرار می گیریم.

ج) الف و ب صحیح است.

۲۲_ ما پیامبران و امامان پیشین را ندیده ایم....

الف)به این دلیل، نمی توانیم به آن ها ایمان آوریم.

ب) باید به آنهاایمان بیاوریم، چون از زبان راویانِ راست گفتار،اخبار مربوط به آن ها را شنیده یا خوانده ایم.

ج) فقط باید به حضرت مهدی علیه السلام ایمان بیاوریم و عقیده به پیشینیان لازم نیست.

۲۳_ کدام جمله صحیح نیست؟

الف) امام عصر علیه السلام حقّی بر ما ندارد، چون بزرگان بر مردم منّت نمی نهند.

ب) حقوق امام عصر علیه السلام بر ما فراوان است، چون حضرتش واسطه ی رسیدن نعمت های الاهی بر ما است.

ج)برای ادای حقوق فراوان امام عصر علیه السلام که بر عهده داریم، باید از خداوند متعال کمک بخواهیم.

۲۴_ کدام جمله صحیح نیست؟

الف)اعمال ناقص ما، به برکت و لطف امام زمانمان مقبول بارگاه الاهی می شود.

ب) هرکس عباداتش مانند نماز و روزه را صحیح ادا کند، خداوند از او می پذیرد.

ج) توسّل به حضرت مهدی علیه السلام ، حکم قرآن است که عقل هم می پذیرد.

پاسخنامه

۱_ الف ب ج ۱۳_ الف ب ج

۲_ الف ب ج ۱۴_ الف ب ج

۳_ الف ب ج ۱۵_ الف ب ج

۴_ الف ب ج ۱۶_ الف ب ج

۵_ الف ب ج ۱۷_ الف ب ج

۶_ الف ب ج ۱۸_ الف ب ج

۷_ الف ب ج ۱۹_ الف ب ج

۸_ الف ب ج ۲۰_ الف ب ج

۹_ الف ب ج ۲۱_ الف ب ج

۱۰_ الف ب ج ۲۲_ الف ب ج

۱۱_الف ب ج ۲۳_ الف ب ج

۱۲_ الف ب ج ۲۴_ الف ب ج

نام و نام خانوادگی :

سطح تحصیلی :

نشانی :

ص:۳۷

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ .ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
برای داشتن کتابخانه های‌تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹